

بنام خداوند جان و خرد

تغییر سیاست آمریکا نسبت به ایران از «تهدید نظامی» به «مانور سیاسی»

حمایت آمریکا از نیروهای اصلاح طلب و دگراندیش ایران، فرصتی برای نیروهای انحصار طلب برای بستن بیشتر فضا و سرکوب نیروهای ملی و اصلاح طلب.

از رویداد یازده سپتامبر تا امروز بیش از همه دوران دو بیست ساله شکل گیری دولت ایالات متحده آمریکا، توجه جهان، بویژه جهان سیاست و جهان رسانه ها، متوجه آمریکا شده و از غول هایی چون چین و روسیه که روزگاری پای پای آمریکا حضورشان مورد توجه بود، دیگر کمتر سخنی در میانست و اگر بحثی مطرح می شود در این زمینه است که آنها گونه در برابر رفتار بولدوروار آمریکا می کوشند تا از رودررویی با آن برکنار بدارند. اروپا با وجود اینکه از مرحله تشکیل اتحادیه ذغال و پولاد، به سامان دهی بزرگترین اتحادیه طول تاریخ دست یافته نیز در عمل کوشش دارد که ضمن حفظ حیثیت جهانی خود، هیچگاه رو در روی آمریکا قرار نگیرد و توجه کامل به اصل تعامل و هماهنگی با آن، به مسائل پیش رو بیاندیشد و عمل کند.

در شرایط امروز جهان، آمریکا در نهایت تأسف به ابر قدرتی تبدیل گردیده که می کوشد روز به روز بیشتر نفوذ مسلط خود را در برخی سازمان های مالی و اقتصادی جهانی چون صندوق بین المللی پول، بانک بین المللی و سازمان بازرگانی جهانی از یک سو، و نحوه برخورد با سازمان های جهانی دیگر مانند سازمان ملل متحد، یونسکو و شمار دیگری از آنها و تحمیل نظریات خود به آنها، با وجود حضور شمار فراوانی از قدرتهای جهانی، به روشنی حکایت از این واقعیت تلخ دارد که این ابر قدرت برانست تا با بی پروایی، بسیاری از خواسته های خود را به جهانیان تحمیل کند. کمتر از دو هفته پیش، جهان شاهد آن بود که برای تمدید حضور نیروها در بوسنی، چگونه آمریکا

آمریکاست و آنها هیچکدام تمایلی به موضع گیری عملی در برابر آمریکا نداشته و ندارند.

همزمان با پیاده کردن نیرو در افغانستان، آمریکا و متحد همیشگی اش انگلستان پی در پی موضوع حمله به عراق را عنوان کرده و از آن به عنوان یک عملیات قطعی و زودرس یاد کرده اند. از همان زمان ما صاحب نظران سیاسی که به منافع ملی ایران می اندیشند، هشدار دادند که دیپلماسی ایران باید با خردمندی چنان عمل کند که سرزمین ما از گزند هر گونه ترکشی در امان بماند. پیام به موقع و حساب شده ریاست جمهوری پس از رویداد یازده سپتامبر و عملکرد خوب دولت در جریان کنفرانس بن و ترکیب دولت موقت افغانستان، حکایت از آن داشت که بر خلاف دو دهه گذشته، سیاست خارجی ایران می رود که به جبران اشتباههای بزرگ و نابخردیها و پراکنده عمل کردن ارگانهای ریز و درشت در افغانستان که لطمه ای شدید به منافع ملی ما وارد ساخت بپردازد.

در شرایطی که همسویی ایران در آینده سازی و بازسازی افغانستان از سوی بسیاری از صاحب نظران خارجی به عنوان آغاز دستیابی به گونه ای تفاهم بین ایران و آمریکا تلقی می شد، بناگاه با طرح اتهاماتی در رابطه با برگزاری همایش های انتقاضه با حضور رهبران گروه های متصف به تروریسم در ایران، ارسال کشتی حامل اسلحه برای ساف، پذیرفتن پناهندگان القاعده و طالبان در ایران یا اخلال در امور افغانستان، همراه با تبلیغات محافل وابسته به صهیونیسم بین المللی فضای جدیدی را علیه ایران به وجود آورد که برآیند آن در قالب سخنان بوش در کنگره آمریکا درباره «محور شیطانی» پدیدار گردید و از ایران در کنار عراق و کره شمالی نام برده شد. همراه با آن، اتهامات پیشین هم شفاف تر دوباره مطرح شد. این جو پر التهاب در حالی شکل

می گرفت که آمریکا در کشورهای آسیای مرکزی به استقرار پایگاه های نظامی دست یافته بود و پایگاه هایی را در پاکستان در اختیار داشت و بر سراسر افغانستان به اعتبار نیروی هوایی خود سلطه یافته بود.

طرح این مجموعه مسایل تا حدی غافلگیر کننده بود، ولی پذیرش اتهامهایی چون همکاری با طالبان و القاعده و تلاش برای بهم ریختن اوضاع افغانستان از سوی دولت ایران، به جهات مختلف نمی توانست با واقعیت انطباق داشته باشد. احتمال اینکه با توجه به طولانی بودن مرزهای ایران با افغانستان و پاکستان، شماری از گروه های تروریستی همراه با قاچاقچیان مواد مخدر توانسته باشند باین ستونی مرز نفوذ کنند، ناممکن نمی توانست باشد، ولی اینکه دولت ایران در پی لطمه های شدید سالهای گذشته از سوی طالبان و تلاشها و یاریهایش برای سقوط آنها، تغییر جهت داده و به حمایت آنها پرداخته باشد، گفته ای نامعقول بشمار می آمد. اما چرا در آن زمان از ایران در کنار عراق به عنوان «محور شیطانی» نام برده شد؟ احتمالاً این یک مانور سیاسی برای پیش گیری از آن بود که اگر انگلستان و آمریکا بخواهند در جریان لویه جرگه ترکیب بسیار متفاوتی با توافق های کنفرانس بن را بر افغانستان حاکم سازند، ایران نتواند ابراز نارضایتی کند. از سوی دیگر در صورت اجرای طرح حمله به عراق، به ایران هشدار داده باشند که در خلیج فارس و بخش های مجاور خاک عراق

ادامه در صفحه دو.

فهرست مطالب	
۲	قیام ملی ۳۰ تیر
۳	حوزه و دانشگاه
۳	آینده جهان
۴	طرح تقسیم استان خراسان
۵	صدمین سالگرد مشروطیت
۶	کنکاش در روزنامه ها
۶	شرایط حساس کشور عراق
۷	اخبار جبهه

بیک خوزستان:

قیام ملی ۳۰ تیر، گواه اقتدار و توانمندی ملت ایران

عملیات نظامی در عراق و آماده‌سازی افکار داخلی و خارجی، با قرار دادن ایران در کنار عراق ابعاد مسئله را گسترده‌تر نشان دهد. در عمل، این موضع‌گیری نتوانست حمایت اتحادیه اروپا و کشورهای قدرتمند دیگر را چنانکه باید جلب کند. با تشکیل لویه جرگه در افغانستان و انتخاب دولت دو ساله آقای کرزای با همان ترکیب کنفرانس پن (با کمی تفاوت)، بدون برپاگشتن آشوب و غوغا، و با ناموفق ماندن اقدامات تروریستی گروه‌های وابسته به پاکستان مانند کشتن دو عضو کابینه، نحوه برخورد آمریکا با ایران تغییر یافت و «تهدید نظامی» جای خود را به «مانور سیاسی» داد. در این مرحله، بجای تهدید ملت و کشور، به بهانه حمایت از دموکراسی و حقوق بشر، جناحی از حاکمیت مورد خطاب قرار گرفت. ولی این حمایت منجر به برخی واکنش‌های داخلی در حمایت از جناح مزبور گشت. نکته قابل توجه در اینجا اعلامیه‌ای بود که از سوی سپاه انتشار یافت، اعلامیه‌ای که اگر دستکم در زمان اعلام «محور شیطان» منتشر شده می‌توانست برای برخی افراد تندرو قابل توجه باشد. سخنان بوش را می‌توان به یک چرخش عمده تعبیر کرد که دیگر تهدید نظامی در کار نیست. ولی اینکه او درباره جریانه‌های داخلی ایران سخن گفته و از گروهی از حاکمیت در برابر گروه دیگر بطور ضمنی حمایت کرده، مطلب تازه‌ای نیست. زیرا از سالها پیش با توجه به نارسایی‌های شدید داخل کشور و مخالفت گسترده اکثریت عظیم ملت ایران با انحصارطلبی‌های یک جناح و فشارهای وارد بر جامعه و در بسند قرار دادن آزاد اندیشان و نیروهای سیاسی ملی خارج از حاکمیت و بستن پی در پی روزنامه‌ها و برخورد خشونت‌بار با دانشجویان و نبود آزادی و تلاش ارگانه‌هایی چون شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت برای حذف نیروهای ملی و اصلاح‌طلبان، ابعاد گسترده‌تری یافته است. در نهایت تأسف، مقامهای آمریکایی در قالب حمایت از اصلاحات، در عمل سبب بسته شدن فضا و اعمال فشار بیشتر بر جامعه شده‌اند. ما بنام ملت ایران از

مواجهه هستند که با وجود دیو پرهیمه «استعمار» و «امپریالیزم» که از طریق نهادهای پیچیده و گسترده‌ای چون فراماسونری، کمیته ۳۰۰، کمیته داووس و ... بر ذره ذره اجزای جهان حکومت می‌کند، و پدیده «استبداد داخلی» که با در اختیار داشتن نهادهای قدرتمند سیاسی، اقتصادی، نظامی و قضایی و ... تمامی ارکان جامعه را تحت سلطه و کنترل خود دارد، مبارزات اپوزیسیون ملی با این امکانات ناچیز در راستای تغییر شرایط به سود ملت و منافع ملی چگونه می‌تواند مثمر ثمر باشد و آزادخواهان با محدودیتهای فراوانی که با آن مواجهند، چگونه می‌توانند در مقابل این دو پدیده (استعمار و استبداد) قد برافرازند و با آنان به مبارزه برخیزند؟!

مسنولان آمریکا می‌خواهیم که از هر گونه اظهار نظر و حمایت از جریان اصلاح‌طلبی و دگراندیشان در ایران خودداری کنند. ملت ایران از قدرت شناخت و هوش والایی برخوردار است و با توجه با سابقه دخالت‌های آمریکا در ایران از ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ به بعد، نظر مثبتی به حمایت‌های مزبور نداشته و آنرا عاملی برای تشدید فشار نیروهای انحصار طلب ارزیابی می‌کند. این ملت بر آنست تا با کوششی خستگی‌ناپذیر، و بر کنار از هر گونه حمایت برون مرزی، در بستر اصلاحات پسویا، مردمسالاری و حاکمیت ملی و فضای آزاداندیشی را در پهنه ایران زمین برقرار ساخته، با حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور و تکیه بر فرهنگ ملی خویش، گامهای مؤثری در دستیابی به پیشرفت و توسعه همه جانبه بردارد.

در پایان، ما یکبار دیگر به برخی جریانه‌های پشت پرده که ادامه اقتدار خود را در گرو بحران آفرینی می‌دانند هشدار می‌دهیم که شرایط منطقه بسیار حساس و بحران زده است و هر اقدام نسنجیده و ستیزه جویانه‌ای می‌تواند بشدت کشور را در معرض آسیب‌ها و ترکش‌های ویرانگر قرار دهد. امید که چنین نباشد. ■

شیوع و فراگیری این نگرش نادرست را - که معتقد است سیاست در کشورهای جهان سوم در قبضه قدرتهای بزرگ جهانی بوده و از ملتها

هیچ اقدام مؤثری بر نمی‌آید - می‌توان از مهمترین عوامل عقب ماندگی و عدم رشد و پیشرفت ملت و سیطره استبداد و استعمار بر آن تلقی نمود. با اینکه «خود آگاهی ملی» (یعنی آگاهی و شناخت شایسته و بایسته ملت از «فرهنگ و هویت ملی»، «حقوق تاریخی، سیاسی و اجتماعی» و «مصلح و منافع ملی» خود) برای نیل به «حاکمیت ملی» لازم و ضروری است، ولی کافی نیست و باید به «خودباوری ملی» نیز دست یافت.

ملتی که قدرت خود را باور نداشته باشد و توانمندی‌های خویش را نشناسد و ایمان نداشته باشد که از پتانسیلهای لازم جهت نیل به آرمانهای خود برخوردار می‌باشد، متظلم و سلطه‌پذیر و «توسری خور» بار می‌آید و از تلاش و مبارزه برای کسب آزادی و دموکراسی ناتوان می‌ماند (چرا که مبارزه را عبث و بیهوده می‌انگارد) و خودکامگان و اربابان استبداد نیز از این نقیصه به سود خود بهره می‌جویند و می‌کوشند با استفاده از این فرصت، سلطه خود را بر نهادهای قدرت استتاری و تحکیم بخشند.

صاحبان این نگرش نادرست - که متأسفانه در شرایط حاضر طیف عمده‌ای از جامعه را تشکیل می‌دهند - از توانمندی و نیروی عظیم «ملت» غافل و ناآگاه هستند. حال آنکه تاریخ نمونه‌های بیشماری از حماسه‌های ملی و تأثیرگذاری شگفت‌انگیز ملت‌ها در رقم زدن سرنوشت خود را به تصویر می‌کشد، تاریخ معاصر ایران نیز مشحون از این اعجازهای بزرگ است. قیام ملی ۳۰ تیر همچون انقلاب مشروطه، نهضت ملی شدن صنعت نفت، انقلاب ۵۷ و ... نمونه‌ای از این دست شمرده می‌شود. چنانکه در تاریخ ایران باستان نیز با حماسه‌هایی چون قیام گاه آهنگر، قیام اشکانیان بر علیه استیلای خارجی، و ... رو برو می‌شویم. داستانسرای تاریخ به ما می‌آموزد که هیچ نیروی خودکامه داخلی یا امپریالیست خارجی را یارای مقابله با قدرت عظیم «ملت» - بشرط آنکه بیدار شود و دلیرانه علم آزادیخواهی را برافرازد - نیست.

قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ را به یک عبارت می‌توان گواهی بر قدرت و

توانمندی ملت ایران در ایستادگی و مبارزه با خودکامگان و بیگانه پرستان نامید. در این روز، نه تانکها، نه پلیسهای اسب سوار مسلح و نه تفنگ و سرنیزه سربازان شاه، هیچکدام نتوانستند در مقابل نیروی عظیم ملت که توسط جبهه ملی ایران سازماندهی و هدایت شده بود، مقاومت کنند و بار دیگر تاریخ ثابت کرد که: «خون بر شمشیر پیروز است!»

به عبارت دیگر، ۳۰ تیر روز از هم پاشیدگی شکوه پوشالی استبداد و استعمار بود. اگر محمد رضا شاه به اعتبار پشتوانه‌های خارجی خود می‌کوشید که اعمال قدرت کند و اوضاع را مطابق میل و منافع خود و اربابانش رقم زند، ولی جبهه ملی و پیشوای آن دکتر مصدق، متکی به حمایت و پشتیبانی ملت بود و به همین اعتبار توانست پشت استبداد را به لرزه در آورد و استعمار پیر را دستکم برای مدتی - در کسب مطامع خود و چپاول منابع ملی ایران ناکام گرداند.

حماسه جاوید ۳۰ تیر، نتیجه و محصول «خودآگاهی» و «خودباوری» ملت سترگ ایران بود و امروز نیز اگر جبهه ملی ایران که توسط یادگاران مصدق راهبری می‌شود و از اقبال وسیع و اعتماد استوار مردمی برخوردار است، بتواند بار دیگر آن خودآگاهی و خودباوری را در ملت پدید آورد، بی‌گمان خواهد توانست همچون گذشته شگفتی‌ها بیافریند و در راه استقرار حاکمیت ملی، نتایج درخشان و شگرفی حاصل نماید. آری، به فرموده خواجه شیراز (با اندکی دخل و تصرف)

فیض روح القدس از باز مدد فرماید دیگران هم بکنند آنچه «مصدق» می‌کرد!

به امید آن خجسته روزی که نسیم آزادی وزیدن بگیرد و درفش پر فروغ «حاکمیت ملت ایران» را در این کهن بوم و بر به اهتزاز در آورد. ■

ارعاب وزندانی کردن حق
گرایان تضمینی برای تداوم
قدرت ناحق نیست.

با عرض پوزش
ابتدای ستون دوم

حوزه و دانشگاه

گروهی از فضایی حوزه عملیه قم نسبت به شکاف میان حوزه و دانشگاه هشدار دادند که خبر آن در روزنامه اطلاعات مورخ ۲۳ تیر ماه ۸۱ درج گردیده. منظور نگارنده از درج این مختصر کوشش ناچیز است متکی بر بضاعتی اندک برای کالبد شکافی ریشه‌های تاریخی این شکاف.

ایرانی با وجود زندگی در سرزمینی خشک و نیمه خشک و علیرغم آنکه سایر تمدنها در حاشیه رودخانه‌های پهناور و در سرزمینهای مرطوب رونیده‌اند در طول تاریخ زندگی خود حداقل دویار دست به ایجاد تمدن زده و هم اینک نیز با همت والای نسل جوان خویش اراده کرده تا تمدن تازه‌ای را پایه ریزی نماید. امروز جامعه جوان ایران با بیست میلیون دانش آموز و دانشجو یاری خداوند و در شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی موجود مراحل «کسب دانش» را طی کرده و به آستانه و جایگاه رفیع «کشف دانش» گام نهاده و در بسیاری از آزمونهای جهانی رتبه اول است و مسایه افتخار و سربلندی. اما دریغ با راه ندادن به او که از حاشیه زندگی به متن و مرکز بیاید و عرض اندام کند او را ناخوانمردانه و ضد البته ناخردانه به ورطه یأس و انفعال و اعتیاد و خودکشی یا فرار از صیحن سوق داده‌ایم و بقول معروف گکمانهم نمی‌گردد که بدست گناهکار خود چه فاجعه‌ای آفریده‌ایم. از انسان مایوس منفعل و نا امید هیچ کار مثبتی ساخته نیست، نه قادر است قوه قضائیه و شورای نگهبان را اصلاح کند و نه می‌تواند مشکل بیکاری و فقر و فساد و تبعیض را و بطریق اولی انتظار عبثی است توسعه / شکوفایی و تمدنسازی را.

اگر کشورهای غربی و اخیراً برخی

از کشورهای آسیایی به این درجه از پیشرفت و ترقی رسیده‌اند که مسایه رشک و حسد و غبطه ما شده‌اند عمدتاً ناشی از تعریف تازه ایست که از «انسان» و حقوق او عرضه داشته‌اند و طرفه آنکه این تعریف تازه بسیار نزدیک به واژه ایست که در دین ما به «خلیفه الله - جانشین خدا» تعبیر شده اما چون یادآوری این مهم برای بردار کنندگان حلاج و سرکوبگران حاکم هیچگاه مقرون به صرفه و صلاح نبوده و نیست لذا سانسور دینی شده و بگوشمان نمی‌خورد. انسان هنگامی می‌تواند منشاء اثر و خلاقیت و خلاصه تمدن ساز باشد که ابتدا از حاشیه به متن و مرکز زندگی بیاید یعنی انسانیت و کرامت او خداگونه و نه کمتر مورد ارج و احترام ممنوعان خویش قرار گیرد و این مهم در صدر اسلام اتفاق افتاد که در نهایت منجر به شکل‌گیری تمدن اسلامی و آن هم بطور عمده بدست ایرانیان گردید. در منابع تاریخی می‌خوانیم که دانشمندان یهودی / بودایی / مسیحی / زرتشتی و حتی دهری (ماتریالیست) در مدارس اسلامی گرد آمدند و ابتدا نهضت ترجمه به راه افتاد.

اما ماجرای اقول تمدن اسلامی بمراتب مهم‌تر و عبرت انگیزتر است. می‌دانیم منابع اصلی برای اظهار نظر یک فقیه در مورد پدیده‌هایی که تازه و نوظهورند قرآن / سنت / حدیث و عقل بود ولی با گذشت زمان و بتدریج تکیه بر سنت و حدیث آساده بجای کار دشوار خردگزینی و مراجعه به عقل مرسوم شد و سرانجام عقل جایگاه خود را بکلی از دست داد تا آنجا که اشعری در مسجد بصره و در حضور مردم از مراجعه به عقل خود بدرگاه خداوند توبه کرد تا هرگز مرتکب چنین گناهی نشود. شاید این توبه از بدو خلقت تا بحال واقعاً بی نظیر و

یکتا باشد. اما متأسفانه در مقام عمل تداوم یافت و چنان خسارات عظیم و جبران ناپذیری در جهان اسلام بیار آورد که از عواقب آن هنوز به گونه‌ای گسترده در رنجیم.

به دلایل فقهی متکی بر «حدیث» که به تخریب مجسمه‌های بودا یا تعطیل مدارس دخترانه در افغانستان انجامید کاری نداریم. سوال ما این است در حالیکه بیش از ۶۰٪ شرکت کنندگان و قبول شدگان کنکور دانشگاه‌ها را در ایران دختران تشکیل می‌دهند بموجب کدام دلیل عقلی اجازه ندارد در بسیاری از کسارهای فکری نظیر اجتهاد / قضایات / وزارت / ریاست جمهوری و بسطریق اولی رهبری شرکت داشته باشند؟ سوال دوم آیا برای کودک ازاری از سوی پدر حتی اگر منجر به مرگ کودک شود می‌توان دلایل بخردانه‌ای ارائه کرد یا خیر منابع حدیث متکی بر علم رجال که آن نیز خود نوعی حدیث است برای پاسخگویی کفایت می‌کند؟ سوال سوم آیا با تدریس علم مکاسب می‌توان به مصافح پیچیدگیهای تجارت جهانی رفت؟ و آیا در حوزه‌های محترم علمیه تاکنون چند رساله برای رفع مشکلات قوه قضائیه پیچیدگیهای تجارت جهانی رفت؟ و آیا در حوزه‌های محترم علمیه تاکنون چند رساله برای رفع مشکلات قوه قضائیه که ظاهراً ملک خودشان است و آه از نهاد گردانندگانش به آسمان رسیده نوشته‌اند؟ برای حل سایر مشکلات جامعه نظیر بیکاری جوانان چه تدبیری اندیشیده‌اند؟ و امروز آیا مسایل مربوط به فقر و فساد و تبعیض مهمتر است که موضوع رساله‌ها باشد یا هنوز کپی کردن «رساله طهارت» اولویت دارد؟ در زمانهای گذشته نیز اینگونه سخیف اندیشی بود که جنگ

حیدری و نعمتی و دعوای اخباری و اصولی را به راه انداخت اینگونه کج اندیشی بود که ملا محمد باقر مجلسی را واداشت تا بر ضد اندیشمندی نظیر ملاصدرا و ملاصادق اردستانی که هر دو از خردگرایان بنام دینی بودند فتوا دهد و سرانجام اردستانی را از شهر اصفهان بیرون کند و تمدن اسلامی را که می‌رفت تا با پرورش نخبگانی چون فارابی / ابن سینا / ذکریای رازی / حکیم فردوسی / ابوریحان بیرونی بثمر بنشیند ناگهان در جنبر ظاهرینی قشر یونی همچون محمد غزالی که فارابی و ابن سینا و فردوسی را تکفیر نمود و سخنان آنان را «الکفر الصریح» خواند سیر نزولی و روند نابودی پیمود.

علیرغم آنکه هیچ دینی به اندازه اسلام برای علم و دانش ارج و منزلت قائل نشده ولی با کمال تأسف وجود حالت قهر و غضب بین دین و دانش هنوز مهمترین چالش جامعه ما را تشکیل می‌دهد که حمله به دانشگاه‌ها و فرار مغزها و اعتیاد و خودکشی باز تاب آنست. اما با این همه ما نباید مسیر صحیح جامعه خود را گم کنیم. در دوران شکوفایی تمدن اسلامی مسجد - مدرسه محل آموزش توأمان دین و دانش بود اما به مرور زمان و بخصوص از قرن ششم هجری به بعد قشریون اجازه نمی‌دادند تدریس سایر دانشهای مبتنی بر عقل صورت پذیرد و طرفه آنکه این قرن مصادف است با قرن ۱۲ میلادی و همزمان با رنسانس که دانشگاههای اروپایی را بر اساس مدارس متقدم اسلامی ساختند. اینک نزدیکی و گفتگو میان حوزه و دانشگاه بعنوان ترکیب هوشیارانه‌ای از دانش و دین می‌تواند منجر به فاصله گرفتن از جدال و چالش سهمگین این دو باشد. ■

آینده جهان از آن دموکراسی و مردم سالاری است

بر اساس گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۲ سازمان ملل متحد، طی ۲۰ سال گذشته چهل رژیم اقتدارگرا در جهان سقوط کرده است و اکنون ۵۷ درصد مردم جهان در شرایط دموکراتیک زندگی می‌کنند. البته رقم قابل توجهی از این درصد مربوط به کشور یک میلیاردی هند است که علیرغم قرار گرفتن در حوزه‌های کشورهای دنیای سوم و داشتن تعدد و تکثر ادیان و مذاهب از نوعی دموکراسی و مردم سالاری نهادینه شده برخوردار است، در حالیکه همزاد آن کشور پاکستان حتی یک روز بدون حضور تعیین کننده نظامیان نتوانسته است زندگی آرام و بدون دغدغه‌ای را در شرایط دموکراتیک تجربه کند.

دموکراسی و مردم سالاری هدیه‌ای نیست که به کشوری اهداء شود، بلکه یک شیوه زندگی تجربه شده است که از بقیه شیوه‌های حکومتی مضار کمتر و منافع بیشتری دارد. این شیوه را باید آموخت، تمرین کرد و بکار برد. بهر حال آینده جهان از آن مردم سالاری و حاکمیت ملی است. کشورهای بی‌بسیاری به پیشرفت و توسعه همه جانبه و رشد یابنده دست می‌یابند که سرنویشتشان بر اساس خواست و رأی ملت و ساختار پارلمانی بدون واسطه و نظارت‌های استصوابی آنچنانی تعیین بگردد و نه اراده یک گروه و حکومت فردی. ■

دو نامه و یک واکنش

چند سال قبل وقتی مرحوم دکتر یداله سبحانی در نامه‌ای پدرانیه و دلسوزانه به رفتارهای ناراضی آفرین و مغایر با مصلحت و اراده عمومی پاره‌ای سازمانهای خاص متکی به قدرت اشاره و اعتراض کردند با واکنش توهین آمیز بعضی روزنامه‌ها و نشریات مدعی انحصاری ارزشها و تعطیل روزنامه‌ها ناشر نامه مزبور و به اعتقادی یازداشت و حبس مهندس عزت الله سبحانی فرزندش رویبرو گشت.

چند هفته قبل همان مفهوم ولی با عباراتی سنگین تر و عتاب آمیز تر از طرف آیت الله طاهری امام جمعه اصفهان با عنوان استغفار نامه ایشان انتشار یافت، صرف نظر از تعابیر بکار گرفته شده تمام مطالب نصیحت گونه نامه مرحوم دکتر سبحانی را در نامه اخیر آیت الله طاهری نیز می توان منعکس دید. اما متأسفانه واکنشها نیز یکسان بود، مطالب تحقیر و توهین آمیز از سوی پاره‌ای از نشریات و منع اکید مطبوعات اصلاح طلب از پرداختن به نامه مزبور، گویی چشم‌ها و گوش‌ها همچنان بسته است و بقول آیت الله طاهری «به سخنان کلیشه‌ای دلخوش بودن و از جمعیت‌های خیابانی سان دیدن» همچنان راه حل مشکلات مطرح شده تلقی می شود! آیا همچنان چشم و گوشمان را بر ناقوس‌های خطر که دشمنان در کنار مرزهایمان به صدا در آورده‌اند خواهیم بست و همچنان به واکنش‌های کلیشه‌ای ادامه خواهیم داد؟

اهمیت استراتژیک آب در منطقه معروف به خاور میانه در دهه‌های نخست قرن بیست و یکم

پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی از ۱۳ تا ۱۵ تیرماه همایش بین المللی «انسان و آب» را در شهر رامسر برگزار کرد.

در جلسه نخست همایش مزبور دکتر پرویز ورجاوند در سخنانی به اهمیت استراتژیک منابع آب در منطقه معروف به خاورمیانه اشاره داشت. دکتر ورجاوند در آغاز سخن تقارن گشایش همایش در روز ۱۳ تیر را بنا جشن کهن ایرانی تیرگان یا ابریزگان اقدانی هوشمندانه دانست و یادآور گشت که در این روز در سراسر ایران زمین شادمانی می‌پرداختند، او اشاره داشت که بهره جستن از هر فرصتی برای ابراز شادمانی و دور ساختن جامعه از غم و اندوه یکی از مهمترین ویژگی‌های فرهنگ ایرانی بشمار می‌رفت و چون امروز با مردم به جرم ابراز شادمانی و نشاط برخوردارهای نامطلوب صورت نمی‌گرفت.

دکتر ورجاوند اشاره داشت که آب در بسیاری از نقاط جهان، بویژه منطقه‌ای که بنام خاور میانه از آن یاد می‌شود، از جنبه ژئواستراتژیک، ژئوپولیتیک، ژئواکونومیک از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است تا جایی که می‌توان انتظار داشت در دهه دوم قرن بیست و یکم، برخوردهای شدیدی بر سر بهره برداری از منابع آب در این منطقه بروز کند. او اشاره داشت که نزدیکی‌های فراوان و رو به گسترش ترکیه و اسرائیل و حرکت‌های خشونت‌بار اسرائیل در منطقه و تلاش آن برای حذف دولت فلسطین و پس ندادن جولان و فشار بر لبنان را پیش از هر چیز به اعتباری به مسئله منابع آب باید مربوط دانست که اسرائیل کوشش دارد سلطه وسیع تری بر منابع آب منطقه داشته باشد. از سوی دیگر ترکیه برای تثبیت موقعیت خود و فشار بر سوریه و عراق بر آن است تا بخش عمده آب رود فرات را در یک طرح وسیع و کم سابقه در اختیار بگیرد. دکتر ورجاوند با توجه به منابع عظیم آب در تاجیکستان اشاره داشت که اگر ایران بتواند تاجیکستان را بساری دهد، آن کشور در کنار محدودیت‌های زیادی که دارد، می‌تواند از این منابع به سود شکوفایی اقتصادی خود و صدور انرژی برق به دیگر کشورها بهره بگیرد و در آسیای مرکزی نقش آفرین شود.

دکتر ورجاوند یادآور گردید که اگر ایران نتواند از یک سیاست سنجیده در قبال افغانستان بهره ببرد، افغانستان زیر فشار قدرتهایی چون انگلیس و آمریکا می‌تواند ایران را از حلقه خود از رود هیرمند در تنگنا قرار دهد، پدیده‌ای که منجر به ویرانی استان بزرگ سیستان و بلوچستان و تغییرات

اگر طرح تقسیم استان خراسان بر اساس بررسی‌های همه جانبه کارشناسان صاحب نظر صورت نپذیرد می‌تواند منطقه را به آتش و خون بکشانند

طرح تغییر تقسیمات کشوری و ایالتی کردن آن در شرایطی می‌تواند مورد پیشنهاد و بررسی قرار گیرد که بر اساس یک کار کارشناسی جامع و واقع بینانه، راه را بر هر گونه توطئه و نغمه‌های شومی که یکپارچگی کشور و وحدت ملی را هدف قرار داده‌اند بر بندد.

چند سالی است که بحث مربوط به تقسیم استان خراسان به چند استان مختلف از سوی دستگاه‌های اجرایی و دولت مطرح گشته و چندین بار در مجلس بحث‌های تند و جنجال آفرینی درباره آن صورت گرفته و دست کم دوبار در سبزووار و فردوس شاهد موضع‌گیری‌های شدید مردم و برخوردهای خونبار نیروهای انتظامی با آن‌ها بوده‌ایم. اینکه استان پهناوری چون خراسان که از بسیاری کشورهای صاحب نام جهان گسترده بیشتری را در بر می‌گیرد و در نتیجه بدلیل ساختار بد و غلط مدیریت کشور همه روزه شمار فراوانی از باشندگان این استان برای حل مشکلات خود ناگزیرند تا چند صد کیلومتر راه را برای رسیدن به مشهد طی کنند و سالیان دراز است که مشکل آفرین می‌باشد، مطلب درستی است. این که با توجه به وسعت استان سهم معقولی از بودجه‌های ملی نصیب همه مردم استان بویژه بخش‌های شرقی و جنوبی آن نمی‌شود نیز یک واقعیت تلخ بشمار می‌رود. این همه و موارد بسیار دیگر حکایت از آن دارد که حفظ ساختار مدیریت کنونی در این استان، بویژه با اعمال قدرت بی حد و مرزی که از سوی دستگاه گسترده استان قدس رضوی صورت می‌پذیرد، نمی‌تواند و نباید ادامه بیابد، سخنی است که نمی‌توان آن را رد کرد. ولی نکته در اینست که بحث تقسیم استان مدتهاست که از مسیر دید کارشناسانه همه سوتگر و منطبق با منافع ملی روز به روز فاصله بیشتری می‌گیرد و شماری از صاحبان نفوذ و قدرت برآنند تا برای حفظ موقعیت خویش با اعمال فشار و انجام مانورهای مختلف و تحریک احساسات مردم، یک امر مهم ملی را به دلخواه خویش و نه به سود منطقه و کشور فیصله دهند ما به دولت و شخص رئیس جمهوری هشدار می‌دهیم که با توجه به توطئه و نغمه‌های شومی که با حمایت بیگانگان گاه به گاه مطرح می‌شود، تسلیم جوسازی‌های نشوند و دست کم برای یکبار هم که شده این مسئله مهم را به شماری از کارشناسان تصاحب صلاحیت بیرون از دولت و نظام واگذار کنند و تا تهیه یک طرح جامع مبتنی بر منافع ملی در جهت حفظ یکپارچگی و وحدت ملی برای رفع مشکلات کنونی منطقه در بالا بردن سطح مسئولیت شماری از سازمانها برای جلوگیری از ارجاع همه مسائل به مرکز استان، در شهرستانهای مختلف اقدام کنند، باشد که میزان قابل توجهی از سرگردانی مردم این بهانه گسترده کاسته شود. در اینجا لازم می‌داند یادآوری کنیم که با توجه به موقعیت کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان و همجوار بودن آن‌ها با این منطقه مهم و اهمیت تاریخی نام «خراسان» در حوزه فرهنگ ایران، توجه به جنبه‌های استراتژیک موضوع از جهات فراوان دارای اهمیت بسیار است. ما امیدواریم که مردم سخت کوش و هوشمند استان خراسان اجازه نخواهند داد تاجر یانهای مشکوک از احساسات پاک آنها در رو در رو قرارداد با یکدیگر در چارچوب مسائل قومی و مذهبی که هیچگاه در آن گسترده پهناور مطرح نبوده به سود خویش یا به آشوب کشیدن منطقه با توجه به همجواری آن با کشورهای بحران زده چون افغانستان بهره جویند.

فاجعه آمیز زیست محیطی شدید در منطقه، چون خشک شدن دریاچه هامون خواهد گشت، پدیده دردناکی که هم اکنون شاهد آنیم.
دکتر ورجاوند در دنباله این سخنان به یاری اسلایدهای گوناگون مطالبی را درباره نقش شبکه آب در باغسازی ایران عرضه داشت.

چه کسی پاسخگوی مردم بی سر پناه فاجعه زلزله قزوین، زنجان و همدان در فصل سرما خواهد بود

با وجود سازمانهای عریض و طویل وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مسکن، بانک مسکن، معاونت کمک رسانی به حوادث پیش بینی نشده (پیمان حوادث غیر مترقبه؟)، دستگاه شیر و خورشید سرخ (پوزش می‌خواهیم هلال احمر)، کمیته امداد و ... بعد از گذشت هفته‌ها هنوز هیچ اقدام اساسی در مورد شروع خانه سازی در روستاهای ویران شده صورت نپذیرفته و گویی با خاکسپاری قربانیان و انتقال مجروحان به بیمارستانها و دادن تعدادی جادر و پتو، همه چیز سامان گرفته است. تهیه «طرح‌های تیب» برای ساختن خانه چقدر زمان می‌برد و آیا مقامهای مسئول بر این امر آگاهند که در بخش‌های عمده روستاهای زلزله زده با آغاز پائیز زندگی در زیر جادر طاقت فرسا و در برخی روستاها غیر ممکن خواهد بود؟

آیا دولت می‌داند که ادامه کوتاهی‌ها در بازسازی این روستاها تا چه حد مشکل آفرین خواهد بود؟ مردم بلازده این روستاها به ناچار راهی مرکز بخش یا شهرستانهای نزدیک و دور خواهند گشت و به خیل بیکاران عظیم خواهند پیوست. دولت جرات کند و اجازه بدهد تا مردم و گروه‌های ملی را از اعتبار وسیع در جامعه برخوردارند بدارند و در فرصتی معقول مشکلات را به همیاری مردم محل کنند، جبهه ملی در رویداد زلزله عظیم یونین زهرا در سال ۱۳۴۰ کارنامه درخشانی از خود نشان داد و همیشه با توجه به اعتمادی که ملت ایران بدان دارد، آماده آنست که نقش مؤثری در کاستن از آلام ورنج هموطنان بر عهده بگیرد. ■

صدمین سالگرد قمری پیروزی نهضت مشروطیت را به ملت بزرگ و بیدار ایران شادباش می‌گوییم

ملت هوشمند و سخت کوشی ایران در چهاردهم مرداد ماه سال ۱۳۲۳ هجری قمری بعد از دهها سال تلاشی سرانجام توفیق یافت تا ساختار کشور را به حکومت مشروطه تبدیل بسازد تا بر اساس آن تعیین سرنوشت خویش و کشور را از دست یک حکمران مستبد و گروهی کم شمار از وابستگان به او خارج ساخته خود بدست گیرد. ملت ایران در آن شرایط در میان شمار فراوانی از کشورهای منطقه و فراتر از آن که همه به شیوه استبدادی و حکومت فردی اداره می‌شدند، با مجاهدتهای خویش حکومت پارلمانی را در کشور بنیان نهاد تا همه مقامهای کشور بر اساس خواست و رأی مستقیم ملت برگزیده شوند و پاسخگوی او باشند. در نهضت مشروطیت شاه از موضع ظل الهی به یک مقام بی مسئولیت تشریفاتی تغییر وضع داد تا حاکمیت ملی استقرار یابد.

امروز ملت ایران با بزرگداشت آن رویداد به همه صاحبان قدرت هشدار می‌دهد که به خواست ملت و ساختار مردم سالاری و جامعه‌ای آزاداندیش گردن نهند و از پای جمهوری ایران، زنجیرها را بکشایند و با درک شرایط حساس و بحرانی منطقه قدرت را به ملت و نمایندگان واقعی منتخب او واگذارند. ■

ملت ایران بشدت به رأی محکومیت سران و مسئولان نهضت آزادی و اعلام انحلال آن معترض است

در آخرین ساعتی که این شماره آماده انتشار می‌گشت با خبر شدیم که دادگاه انقلاب، ۲۱ نفر از مسئولان و فعالان و اعضاء نهضت آزادی را به ۹ ماه تا ۱۰ سال، ۱۲ نفر را به ۴ ماه تا دو سال حبس و پرداخت جریمه از ۱۰ میلیون ریال تا ۳۰ میلیون ریال، ۸ نفر را به پرداخت جزای نقدی از ۱۰ میلیون ریال تا پنجاه میلیون و پانصد هزار ریال محکوم ساخت. درباره موارد اتهام،

خروج از حاکمیت، اخراج از حاکمیت، ادغام در حاکمیت

در سالهای پس از خرداد ۱۳۷۶ که بحث اصلاحات سیاسی در کشور مطرح شد و ابتدا جسته و گریخته و سپس آشکارا از موضوعی بنام «پای ثابت حکومت» گفتگو به میان آمد و خلاصه آن این بود که هر گونه اصلاح یا تغییر تحت نظر «پای ثابت حکومت» امکان پذیر است. دولت موقت در برخورد و اختلاف نظر با همین پای ثابت حکومت مجبور به خروج از حاکمیت شد. ابوالحسن بنی صدر بعلت اختلاف نظر با همین گروه از حاکمیت اخراج شد.

در سالهای بعد، روحانیت پای ثابت حکومت به دو گروه روحانیت مبارز و روحانیون مبارز تقسیم شد و این آغاز چالشی جدی در حاکمیت بود که در سال ۱۳۶۸ پس از درگذشت مرحوم امام خمینی، عملاً به اخراج روحانیون مبارز از حاکمیت انجامید و این گروه پس از سالها کناره‌گیری از قدرت در سال ۱۳۷۶ با انتخابات دوم خرداد به حاکمیت بازگشتند، در حالی که این بار دیگر حمایت بنیان گذار جمهوری اسلامی را پشت سر نداشتند. در نتیجه برای بقای در قدرت به ارادی مردم تکیه کردند. اما انتخابات مختلف انجام شده در این سالها نشان داد که در شرایط موجود آزادی مردم تکیه‌گاه مطمئنی برای بقای در قدرت ثبت از این رو اکنون شماری از آدمهایی که با نام اصلاح طلب وارد مبارزه برای کسب قدرت سیاسی شده‌اند احساس می‌کنند که باید یکی از دو گزینه (انتخاب کنند: خروج از حاکمیت را که چندان آسان و کم هزینه نیست) و یا ادغام در حاکمیت که بمعنی پایان بخشیدن به ادعای اصلاح طلبی است. باید در انتظار آینده بود که آیا گزینه دیگری را بخواهند گزید یا به یکی از این دو گزینه تن در خواهد داد. ■

دادگاه از هر واژه‌ای که خواسته از جمله اقدام بر ضد امنیت کشور از طریق اداره توسعه تشکیلات غیرقانونی در جهت فعالیت‌های مجرمانه با هدف تغییر نظام، طرح براندازی به روش نوین [!؟]، تبلیغ علیه نظام، نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی و جو سازی و نارضایتی و تفرقه در صفوف ملت و ... بهره جسته است.

دکتر یزدی دبیر کل نهضت آزادی در پی اعلام رأی اشکارده داشت: در وضعیت بحرانی و خاص کشور تنها راه نجات، کاستن از تشنه‌های سیاسی و آمادگی برای گفت و گوی مدنی میان همه گروه‌ها و یافتن راه حل‌های قابل قبول برای خروج از این وضع استثنایی است. ایشان در مورد انحلال نهضت آزادی توسط دادگاه انقلاب اظهار داشت: بنا به تصریح قانون تشکیل دادگاههای انقلاب اگر موردی مشمول دیگر قوانین موجود کشور باشد، دادگاه انقلاب حق داخالت در آن را ندارد و مطابق قانون احزاب، انحلال احزاب باید مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی در دادگاه عمومی، علنی و با حضور هیأت منصفه بررسی شود. لذا دادگاه انقلاب نمی‌تواند جرایم و انحلال یک حزب سیاسی را رسیدگی کند.

دکتر یزدی افزود: چندی پیش وزیر محترم اطلاعات در پاسخ به سؤال نمایندگان مجلس نظر داده که با اتهامات دادگاه موافق نیست و نهضت آزادی را برانداز نمی‌داند - نهضت آزادی با داشتن یک سابقه طولانی و کارنامه‌ای روشن برای مردم ایران، سازمانی نیست که اتهامهای وارد شده بدان و حکم‌های سنگینی که برای سران و فعالان آن صادر گردیده بتواند بر افکار عمومی جامعه تأثیر مثبت بگذارد. بلکه واکنش مردم را در پی خواهد داشت. موج جدید محکومیت‌ها از جمله برای مدیر روزنامه نوروز و این حکم‌های جدید و احضارهای مختلف و صحنه‌های اعتراف تلویزیونی و بسیاری موارد دیگر حکایت از آینده‌ای مبهم و نگران کننده برای جامعه‌ای دارد که ابعاد وسیع بحران را در منطقه بخوبی درک می‌کند و نگرانی شدید نسبت به آن دارد. دور به نظر می‌رسد که ملت ایران با ادامه اینگونه برخوردهای خشن و غیر قابل توجیه دست از تلاش برای خواست‌های بر حق خود بردارد، تنها اینگونه برخوردها می‌تواند بسود جریاتهایی باشد که هر گونه اقدام سیاسی اصلاح طلبانه را نفی می‌کنند و جامعه، بویژه نیروهای جوان را به انجام کارهای خشونت‌بار فرا می‌خوانند. ■

کنکاش در روزنامه ها

تاسیس خانه های عفاف، باندهای خرید و فروش دختران را در پوششی از قانون گسترش می دهد
ایسنا: طرح تأسیس خانه عفاف نشان دهنده شکست فاحش سیاستگذاری اجتماعی، پندها و مواظظ اخلاقی کسل کننده دو دهه اخیر است.
دکتر فریروز رئیس دانا گفت: اتخاذ این روش، اهانت به ساحت عفت ملی و اقتباس بدون پشتوانه و نادرست از برخی موازین اسلامی است.
وی ادامه داد: این برنامه یک عقب نشینی فاحش و اعلام شکست نسبت به نادیده گرفتن و سرکوب غرایز و نیازهای اجتماعی جامعه در سالهای اخیر است.

وی این امر را اهانت به ساحت مردان و زنان خواند و تصریح کرد: بانوان بی سرپرست و همسر از دست داده به عنوان بخشی از جامعه که دارای احترام ویژه ای نیز هستند، باید طبق اصل ۲۹ قانون اساسی از حقوق تأمین اجتماعی برخوردار شوند.

دکتر رئیس دانا، اجرای این طرح را ناسازگار با اخلاق و شئون جامعه برشمرد و افزود: با تأسیس این خانه، جهانن با دید تمسخر به ما می نگرد. وی در پایان خواستار ایجاد آزادی، عدالت، اصلاح مناسبات اجتماعی و گسترش آن بر اساس اخلاقیات و کرامات انسانی شد.

ایران در المپیاد جهانی ریاضی اول شد

دانشکده صنعتی شریف: در مسابقات المپیاد بین المللی دانشجویی ریاضی، تیم دانشجویی ایران رتبه اول تیمی را از آن خود کرد. نکته قابل توجه این که به گزارش مطبوعات بیش از ۸۰٪ برگزیدگان المپیادها در ایران به خارج از ایران مهاجرت می کنند و بدین وسیله سرمایه های فکری ایران از مملکت خارجی می شوند.

هر سال ۶۰ هزار کودک ایران از خانه فرار می کنند

حیات نو: سالانه ۶۰ هزار کودک از خانه فرار می کنند و نهادهای زیربند دولتی تنها می توانند ۲۰ هزار نفر از آن ها را جمع آوری کرده و به خانه های خود بازگردانند.

به گزارش روابط عمومی منطقه ۱۱ شهرداری تهران دکتر مجید ابهری آسیب شناس و مشاور رئیس سازمان بهزیستی کشور در سمینار نقش جوانان در فعالیت های اجتماعی در فرهنگسرای انقلاب گفت: بیش از ۴ میلیون جوان در کشور به افسردگی مبتلا هستند و در هر ۱۱ روز ۵۷ خودکشی صورت می گیرد. همچنین ایران از نظر طلاق رتبه چهارم را دارد و از هر ۴ ازدواج در تهران و ۷ ازدواج در شهرستانها، یکی منجر به طلاق می شود. علت این طلاق ها نیز اعتیاد است.

وی خسارت ناشی از اعتیاد در کشور را ۱۵۰۰ میلیارد تومان برآورد کرد و افزود: ۳۰ میلیون نفر زیر خط فقر هستند که یکی از راهکارهای مبارزه با این نوع آسیب ها ایجاد اشتغال است.

مشاور سازمان بهزیستی با اظهار تأسف از وضعیت آموزشی گفت: سالانه یک میلیون و ششصد هزار مردودی وجود دارد و در مدارس کشور ۳۳ درصد از دانش آموزان اطلاعی از عوارض و عواقب مصرف مواد مخدر را ندارند.

متأسفانه در کشور ما احزاب شکل واقعی خود را نیافته اند

دکتر محسن فرشاد یکتا در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری دانشجویان (ایسنا) گفت: اگر می خواهیم در کشور دموکراسی رعایت شود باید به همه احزاب اجازه فعالیت داد. برای رسیدن به وفاق ملی و مشارکت بیشتر، همه احزاب موافق و مخالف باید فعال باشند.

این حقوقدان با اشاره به این مطلب که یک حزب تا وقتی مبارزه مسلحانه علیه حاکمیت انجام نداده و قصد براندازی نداشته باشد قانونی

است، ابراز عقیده کرد: اجازه دهیم احزاب فعالیت کنند و به افراد و ایدئولوژی آنها کار نداشته باشیم، بگذارید با همه یا رافت رفتار شود نه اینکه توی سر این و آن حزب بزنیم.

وی افزود: علاوه بر اینکه باید اجازه داد جوانان تحزب گرایی را تجربه کنند، باید بستری فراهم شود که افراد بدون گزینش سیاسی اجازه فعالیت و تشکیل حزب را داشته باشند. اگر اجازه فعالیت به برخی افراد داده نشود و احزاب را منحل کنیم، دیگر هیچ حزبی در کشور پا نمی گیرد و هیچ گاه تجربه دموکراسی را به دست نخواهیم آورد.

احضار محمد بسته نگار

حیات نو: محمد بسته نگار از فعالان ملی مذهبی به ایسنا اظهار داشت: هفته گذشته از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تلفن کردند و گفتند: «می خواهیم مقداری از وسائل شما را که در اسفند ماه ۷۹ از منزلتان برده شده برگردانیم برای تحویل آن ها در دادگاه حاضر شوید». بسته نگار اعلام کرد: وقتی به دادگاه رفتم از تحویل وسائل خبری نبود و گفتند که هفته آینده دادگاهتان خواهد بود من گفتم در طول یک هفته امکان آماده شدن برای دفاع و وکیل را ندارم چون حاضر نشدم صور جلسه را امضاء کنم همانجا ابلاغیه صادر و اظهار داشتند در صورت عدم حضور حکم جلب صادر خواهد شد.

هر حکومتی برای ماندگاری باید مشروعیت مردمی داشته باشد

مفسران تفسیرهای آمرانه از دین، امروز با بستن باب آزادیهای اجتماعی، متفکرین را به چالش کشیده اند.

به گزارش ایسنا، دکتر فاطمه حقیقت جو، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی که در مراسم افتتاحیه دومین دوره اردوهای سراسری دانشجویان علوم پزشکی کشور در خزرآباد ساری شرکت کرده بود، افزود: ه اعتقاد من در حال حاضر متفکرین ما سعی می کنند قرآنی مدرن و متناسب با نیازهای بشر امروز ارائه کنند ولی ناپردباری ها، آن ها را آماج انواع اتهامات قرار داده است.

وی در این مراسم که به همت دفتر فرهنگی - اجتماعی وزارت بهداشت برگزار شده بود، گفت: تعارض همیشگی «سنت و مدرنیته» امروز به شکلی عمیق تر و با اغراض سیاسی پدیدار شده است و به تعبیر «دکتر سروش» مورهای مار شده امروز ازدها شده و حتی حاضر به پذیرش شهرهای اعتدال طلبانه آقای خاتمی نیز نیستند.

عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی افزود: شکوفایی عقل و عقلانیت یعنی شکستن بسته های درونی و بیرونی، ولی متأسفانه عده ای «نخبه کشی» را پیش گرفته اند و اجازه رفراوندوم به نخبگان سیاسی، علمی و فرهنگی را نمی دهند وگرنه امروز به جای مدیران متوسط، نخبگان بر مسند قدرت تکیه می زدند.

حقیقت جو گفت: «سرعت تحولات، امکان سیطره افراد بر جامعه را گرفته است و این مردم هستند که تصمیم گیرنده نهایی خواهند بود.»

وی گفت: «دیگر شرق و غرب مشروعیتش را از مردم می گیرد و هر حکومتی بخواهد ماندگار شود باید مشروعیت مردمی داشته باشد و وجود این، مخالفان اصلاحات هنوز بر این باورند که با زمین گیر کردن اصلاحات و توقف کامل آن می توانند به اهدافشان برسند، حال آنکه چنین امری به مفهوم نفی مشروعیت مردمی نظام است.»

تسلیت به دکتر باوند

جبهه ملی ایران درگذشت شادروان شروین باوند را به برادر گرامیشان دکتر داود هر میداس باوند، عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران تسلیت می گوید.

اخبار جبهه

مراسم بزرگداشت پنجاهمین سالگرد شهیدان رستاخیزی ام تیر از سوی جبهه ملی ایران

حزب زحمتکشان در اهواز، با فریاد لعنت بر دیکتاتور تاریخ محمدرضا شاه زیر تانک رفت و شهید شد. لولو زرگر، عینکچی و شهدای دیگری که می‌بیند اینجا دفن هستند.

دکتر مصدق از دارایی خود همین قطعه زمین را برای خاکسپای شهدای ۳۰ تیر خریداری کرد. خود به این بابویه بر مزار شهدا آمد در حالی که احمد مصدق و نصرت اله امینی زیر بغل او را گرفته بودند من خود در کنار شادروان شمشیری شاهد بودم. دکتر مصدق دو زانو بر مزار شهیدان اداب احترام کرد قرآن کوچکی را از جیب خود بیرون آورد و در حالی که سخت می‌گریست گفت: به این قرآن سوگند آنچه در توان دارم برای آسایش این مردم به کار خواهم گرفت. شما شهدای راستین وطن هستید. شما به گردن من حق دارید. من نمی‌توانم پاسخ دینی را که شما بر گردن من دارید بدهم.

مصدق وصیت کرد جنازه او را در کنار شهدای ۳۰ تیر به خاک سپارند. سخنران دیگر دکتر حاج قاسمعلی چنین گفت:

امروز پنجاه سال از آن قیام مردمی می‌گذرد. گرفتاری ما همچنان گرفتاری‌های پنجاه سال پیش است و خواسته‌های ما همان خواسته‌ها و یکصد و پنجاه سال پیش اصلاح‌طلبی از قائم مقام و امیرکبیر و مصدق شروع شد. این هر سه از درون حاکمیت برخاسته بودند. مردم را می‌شناختند و به نیازهای مردم آشنا بودند. حرف‌های مصدق را اکثریت توده مردم قبول داشت و او را پشتیبانی می‌کرد.

مصدق در سه جبهه، خارجی، داخلی و رادیکالیسم افراطی حزب توده درگیر بود. او بواسطه پشتیبانی ملت پیروزی‌هایی بدست آورد تا جایی که نیاز به اختیارات بیشتر بود، تا دست دربار و دشمنان خارجی از دارایی‌های مردم ایران کوتاه شود. مصدق با هوشمندی و شعور سیاسی، در آن تنگنای تاریخی استعفا نامه خود را به پیشگاه ملت ایران تقدیم کرد.

قیام تاریخ ساز ۳۰ تیر به وجود آمد. گروهی از مردم شجاع در راه کسب خواسته‌های مشروع ملت ایران شهید شدند. این شهیدان که پنجاه سال در این گورها آرامیده‌اند، آرزوهایی داشتند که هنوز برآورده نشده ... اینها هرج و مرج طلب یا آشوبگر نبودند. اینها از توده مردم بودند. رفتند در حالی که ما جای آنها را پر نکرده‌ایم.

دکتر غلامحسین مصدق می‌نویسد: همراه پدرم در سالگرد ۳۰ تیر به این بابویه رفتیم. در حالی که به سختی حرکت می‌کرد. بسیار متأثر بود و می‌گفت می‌خواهم در کنار این شهیدان دفن شوم. اینها شهدای راستین وطن هستند. هنگامی که دکتر مصدق از این شهیدان به بزرگی یاد می‌کند و بر مزار ایشان حاضر می‌شود. بر ما که پیروان او هستیم واجب است مانند او همیشه یاد این شهیدان را گرامی بداریم. ■

عصر روز یکشنبه سی‌ام تیر ماه، در پنجاهمین سالروز رخداد تاریخ ساز ۳۰ تیر ۱۳۳۱، نمایندگان از سوی سازمانهای جبهه ملی ایران در این بابویه بر مزار شهیدان آن قیام ملی گرد آمدند و با خواندن فاتحه و هدیه کردن شاخه‌های گل سرخ و سپید، یاد شهیدان راستین میهن را گرامی داشتند. نخست یکی از جوانان برنامه را اعلام داشت. سپس آقای حسین شاه حسینی نایب رئیس شورای جبهه ملی ایران، خاطره‌هایی از آن خیزش مردمی را برشمرد و چگونگی پشتیبانی مردم از دولت و برنامه‌های دکتر مصدق برای برقراری حاکمیت مردم سالار و بریدن دست دشمنان خارجی و دربار از سر نوشت ملت ایران را روشن کرد.

... مصدق می‌خواست با گرفتن امتیازهایی، کابینه خود را به مجلس تازه (دوره ۱۷) معرفی کند، تا پس از گرفتن رأی اعتماد از نمایندگان مردم، شاه از جایگاه سلطنت و نه حکومت، فرمان نخست وزیری را به نام وی صادر کند. از نظر مصدق، شاه مقامی غیر مسوول بود که نمی‌بایست در کارها دخالت می‌کرد. دخالت مقامهای غیر مسوول کارها را خراب می‌کند زیرا که آنها پاسخگو نیستند.

مصدق خواسته‌هایی از شاه داشت. بنا شد شاه پس از ۲۴ ساعت پاسخ گوید. با رفتن سید ضیاء و قوام به دربار و گفت و گویی که با سید حسین امامی. رئیس مجلس صورت گرفت، شاه قوام را برای نخست وزیری به مجلس معرفی کرد و قوام با ۴۲ رأی موافق نخست وزیر شد.

مصدق نهضت ملی شدن نفت را رهبری کرده بود. زمانه حساسی بود. نواب سفیر ایران در هلند، پی در پی تلگراف می‌کرد و اخبار لاهه را به تهران مخابره می‌نمود و نگران آن بود که در آستانه رأی دیوان لاهه به نفع ایران، دولت مصدق ساقط شود و قوام شکایت را از دادگاه پس گیرد یا طرح توقف دعوی را بدهد. قوام نطق تند و تهدیدآمیزی کرد و در انتها گفت کشتیان را سیاستی دگر آمد مردم تهران صبح ۳۰ تیر ۱۳۳۱ به خیابانها ریختند و به نفع دکتر مصدق تظاهرات کردند. از مسجد ارک، میدان ارک و بازار، مردم، از همه گروه‌ها، تجمع و حرکت کردند. احزاب سیاسی دسته راه انداختند. فروهر روی سکورفت و فریاد کشید: مرگ بر دیکتاتوری محمدرضا شاه، نگذارید دیگر استبداد بر این مملکت حکومت کند. سردمداران بازار و اساتید دانشگاه مردم را رهبری می‌کردند یک نفر در میدان ازک گلوله خورد و شهید شد. دکتر خنجی روی پله‌های دادگستری ایستاده بود دستور داد تخته آوردند و لاله الا اله گویان جنازه را تشییع کردیم. جوانی که دانش آموز دبیرستان نظام بود گلوله خورد و به زمین افتاد بی آزار از حزب زحمتکشان که دبیر بود با خون او نوشت: این خون زحمتکشان ملت ایران است، یا مرگ یا مصدق. این نوشته تا مدت‌ها روی زمین بود. مردم همه شعار می‌دادند یا مرگ یا مصدق. بعد از ظهر مردم شهرستانها بیرون ریختند. جهانفر عرب از

مراسم بزرگداشت استاد ادیب برومند در انجمن فردوسی برگزار شد

انجمن فردوسی به مناسبت دهمین سالگرد تأسیس این انجمن مراسم بزرگداشت استاد ادیب برومند رئیس شورای مرکزی جبهه ملی ایران را در بیست و یکم تیر ماه برگزار کرد.

«شمس الدین خلخالی» مدیر انجمن ادبی فردوسی در این جلسه ضمن خیر مقدم اعلام کرد که این مراسم برای گرامیداشت استاد ادیب برومند شاعر ملی ایران برگزار می‌شود. وی همچنین ضمن سخنانی از مقام ادبی و سیاسی استاد ادیب برومند تجلیل کرد.

در این مراسم آقای «مهندس بیانی» رئیس شورای مرکزی حزب ایران سخنرانی خود را با ذکر گوشه‌هایی از مبارزات سیاسی ادیب برومند آغاز کرد و در سخنانی از ایشان و راهی که در پیش داشته‌اند تقدیر کردند.

در این مراسم شماری چند از شاعران و نویسندگان در مورد مقام ادبی و فعالیت‌های سیاسی استاد ادیب برومند سخنرانی کردند و اشعاری در ستایش از شخصیت ایشان خواندند.

آقای قریشی نیز در این مراسم به سخنرانی در مورد فردوسی و اهمیت پیگیری اهداف و نیات این شاعر ملی پرداخت و سخنرانی کردند و سروده خود را به مناسبت بزرگداشت ادیب برومند برای درج در نشریه انجمن ارائه کرد. سپس آقای محمود بختیاری درباره وطن دوستی و ملی‌گرایی ادیب برومند سخنانی ایراد کردند که با اقبال عمومی حاضران روبرو گشت. سرانجام لوح یادبود و تکریم و تقدیس فردوسی و چند جلد کتاب به استاد ادیب برومند اهداء شد. در پایان آقای ادیب برومند به سخنرانی پرداختند و اشاره کردند: درست است که من از سن ۱۷ سالگی به موجب اطلاق روزنامه‌ها، مجلات و کتب عنوان شاعر ملی ایران گرفته‌ام و در راه خدمت به ایران و ترویج احساسات وطن پرستانه و مبارزه با سیاستهای استعماری و استبدادی خدماتی را انجام داده‌ام اما تمام اینها انجام وظیفه بوده است و نیازی به تکریم و گرامیداشت ندارد. سپس ایشان قصیده‌ای را که برای سپاسگزاری از شرکت کنندگان در مراسم سروده بودند خواندند که مورد توجه حاضران قرار گرفت.

شرایط حساس کشور عراق و نامه نماینده مجلس اعلاى اسلامى

در شرایطی که تمام مفسرین و صاحب نظران سیاسى تغییر رژیم عراق را قطعی و نزدیک می‌دانند و گروه‌های سیاسى و نظامى تبعید عراقى برای تقسیم قدرت در حکومت آینده عراق در لندن گرد هم آمده‌اند، سید محسن حکیم از طرف مجلس اعلاى اسلامى طی نامه‌ای که در روزنامه همشهرى مورخ ۱۳۸۱/۰۵/۰۳ درج شده، صریحاً اعلام کرده است که ما «پرو ولايت مطلقه امر هستیم» ولی سپس تا تأکید و یادآوری مشارکت مجلس مزبور در

جبهه‌های جنگ بر علیه عراق که با هزار شهید و دو هزار مجروح و جانباز همراه بوده، نسبت به نظام حکومتى ايران بر مبنای ولايت مطلقه فقیه ابراز وفادارى مستمر می‌کند.

در اینکه در آینده سیاسى عراق کسانی که با ايران دارای روابط نزدیک و حسنه‌ای هستند صاحب قدرت تعیین کننده‌ای گردند، مایه خوشحالی و امیدوارى است. اما اظهاراتی مطابق آنچه در نامه سید محسن حکیم آمده است، جز به جبهه‌گیری و بقیه گروه‌ها و سرانجام انزوای مجلس اعلاى ختم نخواهد شد و این نکته‌ای است که سیاستمداران ايران باید بآن توجه داشته باشند و بجای همراهی شعاری، همگامی علمى را از گروهها طلب کنند. که مقامهای مجلس اعلاى اسلامى عراق باید برای حضور مؤثر در حکومت آینده پس از صدام، تمایلات و گرایش‌های اکثریت را نادیده نگیرند و هوشمندانه از

استقرار مردم سالارى و جامعه آزاداندیش در عراق بعد از صدام جانبدارى کنند، این تنها راه برای جلب مردم زیر ستم آن سامان است که سالهای دراز از حکومت سلطه‌گرانه رنج برده و با تمامی وجود خواستار جامعه‌ای آزاد و برکنار از جنبه‌های ایدئولوژیک هدایت شده بوسیله یک گروه خاص می‌باشند. ■

ايران با يك درصد جمعیت جهان صفر درصد تولید علمى دارد

ایرنا: نماینده ملایر در مجلس گفت: ايران با دارا بودن یک درصد از کل جمعیت جهان، نزدیک به صفر درصد علم جهان را تولید می‌کند. بیژن شهبازخانی روز یکشنبه در نطق پیش از دستور جلسه علنی مجلس تأکید کرد: ايران در معرض بحران علمى و تکنولوژیک قرار دارد که در صورت عدم چاره جویی، به بحرانهای اقتصادى، اجتماعى و امنیتی منجر خواهد شد.

وی، توسعه همه جانبه و پایدار در هزاره جدید را بر پایه توسعه نیروی انسانی از بنیادی‌ترین و پرسودترین سرمایه‌گذاری‌هایی است که اثرات دراز مدت آن شکوفائی و رشد اقتصادى پایدار کشورها می‌باشد.

وی پرسید: چرا در کشور ايران با ۱۰ درصد از منابع نفت جهان، ۱۴/۵ درصد از منابع کشف شده گاز جهان، ۲ هزار کیلومتر ساحل، ۳۳ میلیون هکتار زمین کشاورزى قابل کشت و هزار و ۲۰۰ شرکت دولتی و ۸۰۰ شرکت وابسته به دولت و تحت پوشش نهادها، با مشکل عدم توسعه یافتگی اقتصادى و بحران بیکارى و فقر روبرو هستیم.

نماینده ملایر خود در پاسخ به این پرسش، یکی از مهمترین دلایل آن را ضعف علمى و تکنولوژیکى و فضای غیر رقابتی صنعت کشور، ذکر کرد.

شهبازخانی اضافه کرد: آیا زمانی که تنها در سال ۷۸ هر روز به طور متوسط ۱۵ نفر با مدرک کارشناسی ارشد، ۲/۳ درصد با مدرک دکترا، ۵۴۳ نفر با مدرک کارشناسی از کشور مهاجرت کرده و طی سالهای اخیر ۱۰۵ هزار نفر با تحصیلات عالی فقط به آمریکا رفته و

بیش از ۱۸۰ هزار نفر از مدیران و متخصصان کشور به سفارت کانادا مراجعه کرده و از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۶ از ۲۵۶ دانش‌آموز المپيادی کشور، ۹۶ نفر کشور را ترک کرده‌اند و مابقی نیز معلوم نیست در آینده چه تصمیمی خواهند گرفت، نباید به فکر چاره بود؟ ■

تشریح پیام جبهه ملی با کمک‌های مالی شما خوانندگان گرامی اداره می‌شود.

تشریح داخلی
پیام جبهه ملی ایران
با یاد دکتر مهدی آذر
تهران
صندوق پستی ۱۱۲۹-۱۵۸۱۵
JebheMelliIran@yahoo.com
نمابر: ۸۹۷۰۵۶۲

کوچه‌های درد

من شاعر کوچه‌های دردم	صور تگر چهره‌های زردم
بر حال فسردهی جوانان	سر تاپای، غرق دردم
زآینه‌ی چهره‌های بی نور	بر چهره‌ی جان نشسته‌گردم
بر حال گرسنگان رنجور	شد چاک، دلم ز رو یکردم
فقر و غم و درد بی دواشان	با عاطفه ساخت همبردم
بازار فسادگرم و احساس	بنشانده عرق به جسم سردم
زن‌ها لب پرتگاه لنگزش	شرمنده از آن منم که مردم
خون کرد دلم به نیمه شبها	سرگشته جوان کوچه‌گردم
در کوچه و برزن و خیابان	زین سیر و سیاحتی که کردم
جز غصه نبود دستگیرم	جز یأس نبود پسایمردم
تادین شده آلتی چو ابزار	من در پی درد رهنوردم

ادیب پرومند

درس عبرت کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

را هیچ ایرانی هرگز فراموش نخواهد کرد که چگونه ابرقدرتهای زمان، انگلستان با همکاری آمریکا که خود را مروج دموکراسی می‌خواند، از یک رژیم فاسد و خودکامه بر ضد یک دولت مردم سالار و درستکار، و علیه منافع و حقوق ملت حمایت کرد.

مردم ایران پنجاه سال است هزینه سنگین این خیانت را می‌پردازند.